



کوچه فرعی خلوت!

• کبرا بابایی • تصویرگر: سحر خراسانی

کوچه‌ی ما، یک کوچه‌ی فرعی کوچک است. توی کوچه‌ی ما فقط سه تا خانه هست. خانه‌ی آخر، درست جایی که کوچه‌مان بن‌بست می‌شود، خانه‌ی ماست.

هر سال ماه شعبان، محله‌مان عوض می‌شود. همه دست‌به‌کار می‌شوند تا به خاطر عیدهای این ماه، محله را قشنگ‌تر کنند. با ریشه‌های رنگی، پرچم، فانوس... سردر همه‌ی خانه‌ها چراغانی می‌شود.

هر سال، فقط کوچه‌ی بن‌بست ماساکت و تنهامی‌ماند. آن‌هم توی ماه شعبان که پر از تولد و عید است! تولد امام حسین(ع)، تولد حضرت ابوالفضل(ع)، تولد امام سجاد(ع) و حضرت علی‌اکبر(ع). بعد هم نیمه شعبان که میلاد امام زمان(عج) است.

بچه‌ها دارند یک ریشه پرچم رنگی را توی کوچه می‌بندند. فکری به ذهنم می‌رسد... بچه‌ها را خبر می‌کنم... باید امسال کاری کنیم.

... کوچه‌ی ما خلوت است. کوچک است. فقط سه تا خانه دارد. از پنجره بابا را می‌بینم. توی کوچه که می‌پیچد، گیج می‌شود. می‌ایستد و با تعجب به اطرافش نگاه می‌کند. به ریشه‌های کوچک لامپ... به پرچم‌ها... به فانوس... کوچه ما هم چراغانی است...

